

در حاشیه "اطلاعیه بسوی کنگره"

رحیم محمودی

رفقای جریان رفرم با صدور اطلاعیه‌ای تحت نام "بسوی کنگره" از خوانندگان اطلاعیه خواسته‌اند که با ارسال نظراتشان بحثهای کنگره را غنی ساخته و به برگزاری کنگره‌ای موفق یاری رسانند. اگر چه نفس این عمل در خود قابل تغذیر است اما اطلاعیه عاری از ایراد نیست.

این رفقا بعد از گذشت تقریباً یکسال از جدائیها هنوز از موضع فراکسیون به مشکلات کومه‌له برخورد میکنند، و بنظر می‌رسد با فراکسیون خواندن خود می‌خواهند خطاهای پیش آمده را کلاً به جریان عبدالله مهتدی منتصب کرده و خود را مُبرا از هر خطائی وانمود نمایند.

موضوع دیگری که در اطلاعیه به آن اشاره رفته است، ادعای این مطلب است که گویا این رفقا توانسته‌اند که برای اولین بار "ادبیاتی غنی را در مباحث درون تشکیلاتی از خود بنمایش گذاشته" و بحثهای ایندوره بسرعت مرزهای تشکیلاتی را پشت سر گذاشت و . . . در اینجا این سوال پیش می‌آید که منظور این دوستان از ادبیات غنی و فرهنگ بالا چیست؟ کدام مقاله، کدام تلاش، کدام فرهنگ و ادبیات غنی، شاید منظورشان نوشته‌های پُر از بی احترامی به همدیگر است، که در دوران اختلافات صفحات اینترنتی را پُر کرده بودند؟! یا شاید منظورشان شکل و شمایل انشعاب‌تان است؟! مگر مردم فراموش کرده‌اند که چه اتفاقاتی در آن چند ماه افتاد، مگر جریان دزدیده شدن امکانات تلویزون (روژه‌ه‌لات) فراموش شده است.

فکر می‌کنید با این ادعا که "پوزسیون" بوده‌اید، مردم از سهم شما در بوجود آمدن تمام آن ناهنجاریهایی که هیچکس انتظارش را نداشت چشم پوشی می‌کند؟! انتظارش را نداشت چشم پوشی می‌کند؟! یا شما از خود سوال کرده‌اید که سهم‌تان در بوجود آوردن این فضاچه بر سر کومه‌له چقدر است؟

تا زمانی که شما مسئولین و "رهبران" این دوره کومه‌له صادقانه از خود انتقاد نکنید و بدور از منافع شخصی نگوید که چرا کومه‌له را به این روز انداخته‌اید، مطمئن باشید نخواهید توانست در بیرون آوردن کومه‌له از این مخصصه نقشی ایفا کنید، و نخواهید توانست اعتبار و منزلت گذشته را دوباره باز یابید.

جریان رفرم در عرض یک سال گذشته نه فقط جذب نیرو نداشته است بلکه دفع نیرو هم کرده است. اگر تعریف و تمجیدهای شما از خودتان پایه و اساسی داشت، می‌بایستی تا حال به تشکیلاتی عریض و طویل تبدیل شده بودید، می‌بایستی کارکران وزحمتکشان پشت درصف می‌کشیدند تا به تشکیلات تازه "کومه‌له" پیوندند ولی چیزی که ما شاهدش هستیم برعکس این روند است. تشکیلاتی بدون کارگر و زحمتکش ولی تا دلت بخواهد پُر از شعار زیاد. گر چه کاک عمر ایلخانی‌زاده در مصاحبه‌اش با رادیو همبستگی ادعا دارد که در جامعه کردستان تنها نیروئی که به کومه‌له شناخته شده است آنها هستند، اما فراموش نکنیم کارکران وزحمتکشان به این سادگی که شماها فکر میکنید هم نیستند.

80.04.2008